

## نقش ساختار گروه ۷۷ در تحقق اهداف آن

ابوالقاسم طاهری<sup>۱</sup>  
مهدی آقا علیخانی<sup>۲</sup>

**چکیده:** کشورهای در حال توسعه به واسطه نارضایتی از جایگاه خود و نظم اقتصادی حاکم بر جهان تلاش کردند تا اقدامات خویش را هماهنگ کرده و به پیگیری خواسته‌های مشترک در جهت ارتقای سطح توسعه و بهبود وضعیت تجارت بین‌الملل به سود خود بپردازند. در این راستا گروه ۷۷ با اولویت‌یابی دستور کار اقتصادی از سوی این کشورها ایجاد گردید و بر سازمان ملل متحد به عنوان مهم‌ترین نهاد برای تحقق اهداف گروه متمرکز شد. از جمله اقدامات مهم گروه طرح نظم نوین و عادلانه اقتصاد بین‌المللی، شناسایی حق توسعه و طرح و پیگیری اهداف توسعه هزاره بوده است. به‌رغم برخی موفقیت‌های نسبی گروه ۷۷ ناشی از گسترده بودن تعداد اعضای گروه، نارسایی‌های ساختاری آن از جمله عواملی است که موجب شده تا کشورهای در حال توسعه در تحقق کامل اهداف خود با موفقیت همراه نباشند. این مقاله قصد دارد ضمن مطالعه گروه ۷۷، تاثیر ساختار آن را بر تحقق اهداف گروه بررسی کند.

**واژگان کلیدی:** گروه ۷۷، کشورهای در حال توسعه، نظم نوین اقتصاد بین‌المللی، آنکتاد، همکاری‌های جنوب - جنوب، حق توسعه هزاره.

---

۱. دکتر ابوالقاسم طاهری، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران - گروه علوم سیاسی [abo.taheri@yahoo.com](mailto:abo.taheri@yahoo.com)

۲. آقای مهدی آقا علیخانی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاکستان - گروه علوم سیاسی [Alikhanimail@yahoo.com](mailto:Alikhanimail@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

گروه ۷۷<sup>۱</sup> بزرگ‌ترین ائتلاف در سازمان ملل متحد، مجمعی از کشورهای در حال توسعه است که به دلیل نارضایتی از جایگاه خود و نظم اقتصادی حاکم بر جهان تلاش دارند با اتخاذ مواضع و سیاست‌های هماهنگ در جهت سرعت بخشیدن به روند توسعه در کشورهای خود اقدام کنند. این گروه ضمن ارائه پیشنهادات و طرح‌هایی برای اصلاحات اقتصادی در عرصه بین‌المللی، سازمان ملل متحد را مکانی مناسب برای ارائه پیشنهادات خود و طرح مفاهیم جدید مورد تأکید کشورهای در حال توسعه قرار داده است. پیگیری نظم نوین اقتصاد بین‌المللی، تلاش برای شناسایی حق توسعه، طرح و پیگیری اهداف توسعه هزاره و... از جمله مهم‌ترین اقدامات این گروه در جهت بهبود وضعیت کشورهای در حال توسعه و ارتقای سطح توسعه در آن‌ها است.

گروه ۷۷ خواهان استفاده از ظرفیت سازمان ملل متحد برای کنترل بیشتر بر سیاست‌های توسعه است تا یک رویکرد جامع نسبت به توسعه به صورت قابل پیش‌بینی، انعطاف‌پذیر و پایدار با نقش‌آفرینی سازمان ملل دنبال شود. کشورهای در حال توسعه که در قالب جنبش عدم‌تعهد<sup>۲</sup> اولویت را به پیگیری مسائل سیاسی داده بودند با تأسیس گروه ۷۷ و در قالب آن اولویت را به پیگیری مسائل اقتصادی و اجتماعی دادند و در این راه رابطه نزدیکی میان این دو گروه در پیگیری مطالبات و تحقق اهداف برقرار شد. هدف این مقاله مطالعه گروه ۷۷ و بررسی نقش ساختار این گروه بر تحقق اهداف آن است چرا که ساختار این گروه چنان شمشیری دو لبه بر موفقیت یا عدم موفقیت آن اثر گذاشته است.

سؤال اصلی این مقاله عبارت است از: ساختار گروه ۷۷ چه تأثیری بر تحقق اهداف این سازمان داشته است؟ در کنار سؤال اصلی سئوالات دیگری نیز مطرح می‌باشد: گروه ۷۷ چرا و چگونه شکل گرفت و اهداف آن چیست؟ چه رابطه‌ای میان جنبش عدم‌تعهد، آنکتاد و گروه ۷۷ وجود دارد؟ ساختار گروه ۷۷ چگونه است؟ ساختار گروه ۷۷ چه تأثیری بر تحقق نظم نوین اقتصاد بین‌المللی، حق توسعه و اهداف هزاره توسعه داشته است؟ فرضیه مقاله این است که: به‌رغم برخی موفقیت‌های نسبی، ساختار گروه ۷۷ از جمله دلایل عدم تحقق کامل اهداف آن بوده است.

---

1. The Group of 77  
2. Non-Aligned Movement (NAM)

## ۲. چارچوب نظری

پژوهشگرانی که به مطالعه مسائل کشورهای در حال توسعه پرداخته‌اند، دلایل متعددی را در ارتباط با علل درونی عدم توفیق جنوب در پیشبرد مقاصدشان بیان کرده‌اند. از جمله مهم‌ترین موارد عدم انسجام میان کشورهای در حال توسعه، اختلافات و رقابت‌های درونی، ضعف‌های نهادی و ناهماهنگی میان اهداف این کشورها می‌باشد. تشکیل گروه ۷۷ با هدف جبران این ضعف‌ها بود. اما به اعتقاد برخی از محققان، گروه ۷۷ به‌رغم برخی موفقیت‌های نسبی به دلایل نهادی و ساختاری در پیشبرد اهداف خود ناکام بوده است.

مارتین خور مدیر اجرایی مرکز جنوب با اشاره به سازماندهی نسبی کشورهای در حال توسعه در قالب مجامعی چون جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ و ایفای نقش مؤثر در سازمان ملل معتقد است این گروه‌ها به علت عدم "انسجام" و "کارآمدی" در پیگیری تحولات و یا قاعده‌مند کردن راهبردها و سیاست‌های بلندمدت توفیق چندانی ندارند (خور، ۱۳۸۶: ۲۱). لیدیا سوارت پژوهشگر سازمان‌های دولتی و غیردولتی نیز اعتقاد دارد یکی از دلایل مهم عدم توفیق گروه ۷۷، فقدان انسجام ساختاری و ضعف‌های نهادی آن است. ژولیوس ک. نایرره رئیس کمیسیون جنوب نیز در گزارش خود که تحت عنوان چالش جنوب ارائه شد مهم‌ترین دلیل عدم اجرای مؤثر برخی طرح‌ها و برنامه‌های مصوب گروه ۷۷ را "نهادهای سازمان‌نیافته و ضعیف" و "نبود منابع و پابندی سیاسی اندک دولت‌ها" عنوان نموده و یکی از معایب اصلی فرآیند همکاری جنوب- جنوب را "ضعف تشکیلاتی" و "فقدان کمک‌های فنی سازمانی" در سطح کشوری و بین‌المللی می‌داند و اظهار می‌کند: فقدان سازوکارهایی برای انجام مشورت‌های منظم، هماهنگی اقدام‌ها و حل و فصل اختلاف‌ها، مانع حرکت جمعی و انجام مذاکره در سطح جهانی شده بود (نایرره، ۱۳۷۶: ۱۶۴-۱۶۰). علاوه بر مروری بر نظریات برخی محققان، برای شناخت و ارزیابی گروه ۷۷ باید در وهله اول عوامل، ضرورت‌ها و عناصر شکل‌دهنده آن را شناخت و سپس به شناسایی ساختار، عوامل تداوم‌بخش و عملکرد آن پرداخت. هر چند نمی‌توان گروه ۷۷ را به‌عنوان یک سازمان و ویژگی‌های متصور برای یک سازمان در نظر گرفت، اما در ارزیابی عملکرد و میزان توفیق این گروه می‌توان از برخی معیارهای نظریه سطح نهادمندی<sup>۱</sup> ساموئل هانتینگتون (مانند تطبیق‌پذیری، انعطاف‌پذیری، پیچیدگی، استقلال و انسجام) بهره گرفت. در این

نظریه هانتینگتون چهار معیار برای ارزیابی یک سازمان مطرح می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۳۹-۲۴):

**الف) تطبیق‌پذیری-انعطاف‌پذیری:** بر این اساس هر چه یک سازمان تطبیق‌پذیرتر باشد سطح نهادمندی آن بالاتر است. یعنی موفقیت سازمان در نحوه هماهنگی با تغییرات محیطی است. یکی از شاخصه‌های این معیار اندازه‌گیری تطبیق‌پذیری سازمان از طریق کارکرد است. یعنی یک سازمان برای انجام کارکردهای خاص ایجاد شده و حیات آن بستگی به تداوم آن کارویژه‌ها دارد.

**ب) پیچیدگی:** هر چه یک سازمان پیچیده‌تر باشد سطح نهادمندی آن نیز بالاتر خواهد بود. این پیچیدگی مستلزم تعدد واحدهای سازمانی از جهت سلسله مراتب و کارکردهاست و هم به تمایز انواع واحدهای خرد جداگانه آن بستگی دارد. از این رو هرچه تنوع این واحدهای خرد بیشتر باشد توانایی سازمان برای تضمین وفاداری اعضا بیشتر خواهد بود.

**ج) استقلال:** معیار سوم، درجه استقلال سازمان و شیوه‌های عمل و ارزش‌ها و اصول آن از اعضای خود است. ضمن آنکه استقلال از دخالت نیروهای خارجی مختل‌کننده امور ممانعت می‌کند.

**د) انسجام:** هرچه یک سازمان یکپارچه‌تر و منسجم‌تر باشد سطح نهادمندی آن بالاتر خواهد بود. این انسجام در روابط ارگان‌های داخلی با یکدیگر و وفاداری متقابل سازمان و اعضا بیش از هر مورد، مورد توجه است. در این مقاله ابتدا به ارزیابی گروه ۷۷ براساس سطح ساختار آن پرداخته شده و سپس به تأثیر این عامل بر میزان کارایی گروه ۷۷ و نیز توفیق این گروه در اجرای تصمیمات و تحقق اهداف پرداخته می‌شود.

## ۳. شکل‌گیری گروه ۷۷

### ۳-۱. تلاش جنوب برای مشارکت بیشتر در نظام بین‌الملل

یکی از اولین و مهم‌ترین تلاش‌های کشورهای جنوب برای اتخاذ مواضع مشترک در قبال مسائل جهانی به کنفرانس باندونگ در اندونزی به سال ۱۹۵۵ بازمی‌گردد. در این کنفرانس ۲۹ کشور مشارکت داشتند. این کنفرانس مقدمه‌ای شد برای شکل‌گیری جنبش عدم‌تعهد که رسماً در سال ۱۹۶۱ در بلگراد به عنوان اجتماعی از کشورهای جهان سوم کار خود را آغاز کرد. بر این اساس، گروهی از ملل نوحاسته آفریقایی و آسیایی بر آن شدند تا به منظور کناره‌گیری از دسته‌بندی‌های سیاسی، نظامی و اقتصادی و دوری از وابستگی به بلوک‌های شرق و غرب سیاست‌های مستقلی در روابط بین‌المللی پیش گیرند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۶۱). احترام متقابل به حاکمیت و تمامیت ارضی

کشورها، همزیستی مسالمت‌آمیز،<sup>۱</sup> عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها، مبارزه با نژادپرستی و استعمار، برابری و منافع متقابل و مبارزه با توسعه‌نیافتگی از جمله اصول مهم جنبش عدم‌تعهد اعلام شد.

اولین کنفرانس جنبش عدم‌تعهد در سپتامبر ۱۹۶۱ به دعوت تیتو رئیس‌جمهور یوگسلاوی در بلگراد برگزار شد. کشورهای عضو در این کنفرانس علاوه بر مسائل سیاسی به بحث در خصوص مشکلات تجارت بین‌الملل پرداخته و خواهان همکاری میان کشورهای در حال توسعه شدند. آنها پیشنهاد کردند برای کمک به توسعه و کمک‌های فنی یک کنفرانس تجارت جهانی برگزار شود. در دومین اجلاس عدم‌تعهد در مصر به سال ۱۹۶۲ بحث بیشتری در خصوص مشکلات توسعه اقتصادی صورت گرفت و در این اجلاس مشارکت کشورهای آمریکای لاتین بیشتر از اجلاس قبلی شد.

تلاش‌ها برای برگزاری یک کنفرانس تجارت جهانی به شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد کشیده شد. البته به‌رغم اتفاق نظر جنوب برای بهبود تجارت و توسعه، اختلاف نظر میان آنها در خصوص برگزاری چنین کنفرانسی وجود داشت. به‌گونه‌ای که در رأی‌گیری کمیته دوم مجمع عمومی (مسائل اقتصادی و مالی)<sup>۲</sup> شکافی بزرگ میان این کشورها رخ داد و عملاً جنوب به دو گروه موافق و مخالف تقسیم شد اما در نهایت به هنگام طرح موضوع در مجمع عمومی سازمان ملل جنوب به وحدت رسیدند (Swart and Lund, 2010: 10).

تلاش کشورهای در حال توسعه در این راستا با شدت بیشتری همراه شد تا در نهایت با اتفاق نظر میان کشورهای در حال توسعه و کاهش مخالفت کشورهای غربی، برگزاری این کنفرانس با استقبال زیادی همراه گردید.

## ۲-۳. از آنکتاد تا گروه ۷۷

شکاف در تجارت میان شمال و جنوب در دهه ۶۰ موجب نگرانی کشورهای در حال توسعه شد. کشورهای در حال توسعه به واسطه صادرات مواد اولیه و محصولات کشاورزی و به دلیل عدم تنوع صادرات، آسیب‌پذیری بیشتری در مقابل کشورهای توسعه‌یافته داشتند. به همین دلیل برای کاهش آسیب‌پذیری، تقویت استقلال سیاسی و نیز کاستن از فاصله توسعه خود در پی تقویت اقتصاد از طریق تنوع در تجارت بین‌الملل برآمدند. آنها به دنبال آن بودند به بهبود شرایط تجارت بپردازند، منابع مالی برای توسعه خود را تضمین کنند و از منابع طبیعی خویش استفاده بهتری به عمل آورند. از این‌رو

1. Peaceful Co-existence

2. UN GA's Second Committee (Economic and Financial Committee)

بر سازمان ملل متحد به ویژه مجمع عمومی متمرکز شدند. مجمع عمومی در ۱۹۶۱ دهه ۱۹۶۰ را به عنوان دهه توسعه ملل متحد<sup>۱</sup> نام‌گذاری و قطعنامه "تجارت بین‌الملل به عنوان ابزاری برای توسعه اقتصادی"<sup>۲</sup> را صادر کرد.

شورای اقتصادی و اجتماعی نیز در ۱۹۶۲ با اشاره به قطعنامه مجمع عمومی تصمیم به تشکیل کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل<sup>۳</sup> گرفت و کمیته‌ای مقدماتی به ریاست راثول پریش اقتصاددان آرژانتینی که دبیرکل کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آمریکای لاتین<sup>۴</sup> بود، برای تهیه و تنظیم دستور کار کنفرانس تشکیل داد. براساس دیدگاه‌های او می‌توان به تبیین مبانی نظری شکل‌گیری آنکتاد و همچنین گروه ۷۷ پرداخت. او اعتقاد داشت اقتصاد جهان تحت تسلط کشورهای توسعه‌یافته است و در این شرایط کشورهای در حال توسعه ضمن مواجهه با موانع متعدد از وضعیت نامساعدی برخوردارند. او در پاسخ به فراخوان قطعنامه اکلاک برای مطالعه رابطه مبادله در آمریکای لاتین به تدوین نظرات خود در مورد افول رابطه مبادله پرداخت و استدلال کرد توازن قیمت‌ها در تجارت میان جنوب و شمال از محصولات کشاورزی و مواد اولیه به سوی کالاهای صنعتی در جریان بوده است (ساعی، ۱۳۸۸: ۹۹) و این موضوع منجر به مبادله نابرابری شده که عمده منافع تجارت جهانی را به کشورهای شمال اختصاص می‌دهد و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای شمال برای صادرات جنوب، وضعیت نامساعدی برای آنها ایجاد کرده است. یکی از راه‌حل‌های این موضوع توسعه صنعتی در کشورهای در حال توسعه است. او در مقام ریاست کمیته مقدماتی برای آنکتاد گزارشی تحت عنوان "به سوی یک سیاست تجاری جدید برای توسعه"<sup>۵</sup> تهیه و ارائه کرد. او پیشنهاد نمود موانع تجارت کالاهای جنوب برداشته شود و قیمت‌های آن تثبیت گردد. پریش پیش از این نیز گات را برای مقابله با نابرابری‌های تجاری ناکافی و ناکارآمد می‌دانست و پیشنهاد مذاکرات برای ایجاد یک سازمان تجارت بین‌المللی را داده بود (Swart and Lund, 2010: 12).

آنکتاد در سال ۱۹۶۴ کار خود را از طریق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز کرد و از آن زمان زیر نظر شورای اقتصادی و اجتماعی فعالیت می‌کند و هر چهار سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. هدف اصلی آنکتاد توزیع مطلوب درآمد بین‌المللی از طریق سازوکار تجارت بین‌المللی و بهبودبخشیدن به وضعیت درآمد

1. United Nations Development Decade
2. International Trade as the Primary Instrument for Economic Development
3. UN Conference on Trade and Development : UNCTAD
4. Economic Commission for Latin America and the Caribbean : ECLAC

کشورهای در حال توسعه از طریق افزایش نرخ رشد این دسته از کشورها با ایجاد شرایط بهتر برای مبادله کالاهای آنها (تقوی، ۱۳۸۹: ۱۸۵-۱۸۴) و تسریع توسعه اقتصادی از طریق افزایش مبادلات تجاری میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه بود.<sup>۱</sup> بهرغم عضویت توأمان کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته در آنکتاد،<sup>۲</sup> آنکتاد مجمعی شد برای تبادل نظر کشورهای در حال توسعه که از شرایط تجاری خود و موانع شمال بر محصولات خود رضایت نداشتند. از این رو این کشورها تلاش کردند از آنکتاد به عنوان یک ابزار برای وارد کردن فشار به کشورهای صنعتی برای کاستن از موانع تجاری و تدوین اصول و سیاست‌های مربوط به تجارت و بازرگانی بین‌المللی استفاده کنند.

در نشست مقدماتی آنکتاد در مجمع عمومی ۷۵ کشور در ۱۱ نوامبر ۱۹۶۳ یک اعلامیه مشترک منتشر کردند که مقدمه‌ای برای شکل‌گیری گروه ۷۷ شد. اعلامیه مشترک ضمیمه قطعنامه ۱۸۹۷ مجمع عمومی گشت. در این اعلامیه مشترک بر لزوم اقدامات بین‌المللی برای تنوع تجارت جنوب و ایجاد یک اقتصاد جهانی وابسته به هم تأکید شد. بر این اساس، توسعه اقتصادی و رفاه در جهان مستلزم کمک به کشورهای در حال توسعه عنوان شد. صادرکنندگان این اعلامیه که عمدتاً از آمریکای لاتین، آفریقا و آسیا بودند خواهان حذف موانع صادرات جنوب به شمال، ثبات در قیمت محصولات اولیه خود، گسترش بازار صادرات برای کالاهای تولیدشده و نیمه‌ساخته‌شده کشورهای در حال توسعه شدند (Swart and Lund, 2010: 11).

در پایان اجلاس آنکتاد در ۱۹۶۴ در ژنو تعداد امضاکنندگان اعلامیه مشترک از ۷۵ کشور به ۷۷ کشور افزایش یافت و در ۱۵ ژوئن همان سال در ژنو اعلامیه مشترک هفتاد و هفت کشور در حال توسعه<sup>۳</sup> درباره تجارت و توسعه انتشار و این گروه رسماً اعلام موجودیت کرد. در این بیانیه کشورهای در حال توسعه آنکتاد را به عنوان یک گام مهم به سوی ایجاد یک نظم نوین و عادلانه اقتصاد بین‌المللی شناسایی کردند. اصول این نظم براساس اعلامیه کنفرانس شامل تقسیم کار بین‌المللی جدید با هدف شتاب در صنعتی‌شدن کشورهای در حال توسعه، بالا بردن استانداردهای زندگی مردم آنها و ایجاد یک چارچوب جدید تجارت بین‌المللی منطبق با نیازهای توسعه شتابان

۱. با تحولات جهانی به‌ویژه از دهه ۱۹۹۰ آنکتاد موضوعات جدیدی را در دستور کار خود قرار داد که برخی از آنها بدین شرح می‌باشند: موضوع کمک‌های فنی متنوع و توسعه یافته، مدیریت بدهی‌ها، ترویج کارآفرینی، بحران‌های مالی جهانی، مسائل محیط‌زیست و ...

۲. در حال حاضر ۱۹۳ کشور عضو آنکتاد هستند.

### 3. Joint Declaration of the Seventy-Seven Developing Countries

بود. گروه ۷۷ آنکتاد را نشانه‌ای از آغاز دوران همکاری‌های بین‌المللی در زمینه توسعه و تجارت معرفی کرد ( Joint Declaration of the Group of 77, 1964 ) در حالی که اعلامیه سال ۱۹۶۳ گروه ۷۷ بر یک تقسیم کار جدید بین‌المللی تأکید داشت، اعلامیه ۱۹۶۴ این گروه به‌طور مشخص یک نظم نوین و عادلانه اقتصاد بین‌المللی را مطرح می‌کرد.

### ۳-۳. رابطه گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد و آنکتاد

جنبش عدم تعهد و گروه ۷۷ به‌رغم آن که ریشه‌های بسیار نزدیکی به لحاظ خواسته‌ها، اهداف و اعضا با یکدیگر داشته و دارند اما به‌طور مستقل از هم شکل گرفتند. از ویژگی‌های مشترک هر دو گروه نقش رهبری در ایجاد آنها بود. به‌گونه‌ای که در شکل‌گیری جنبش عدم‌تعهد رهبران هند، مصر، اندونزی و یوگسلاوی نقش اصلی را داشتند در حالی که در شکل‌گیری آنکتاد و تأسیس گروه ۷۷ کشورهای آمریکای لاتین نقش اساسی ایفا کردند (Alden, Morphet and Vieira, 2010: 27). کشورهای جنوب در قالب جنبش عدم تعهد اولویت را به پیگیری مسائل سیاسی و چالش با نظم سیاسی مستقر در جهان و در قالب گروه ۷۷ اولویت را به پیگیری مسائل اقتصادی و اجتماعی داده بودند. علت این تفکیک را می‌توان در ترکیب اولیه و اولویت‌های اعضای مؤثر هر دو گروه جستجو کرد. برای کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد که در ابتدا غالباً آفریقایی و آسیایی بودند بیش از هر چیز حق تعیین سرنوشت، استعمارزدایی، مقابله با نژادپرستی، استقلال و... اولویت داشت و برای گروه ۷۷ که با نقش‌آفرینی مؤثر کشورهای آمریکای لاتین همراه بود به واسطه آن که زودتر از ملل آفریقایی و آسیایی به استقلال رسیده بودند، مسائل توسعه‌ای و تجارت بین‌المللی در اولویت بود. به‌رغم این تقسیم کار و تفکیک، موضوع توسعه در دستور کار هر دو گروه قرار داشت. ضمن آنکه عضویت مشترک اعضا در این دو گروه و نیز در سازمان‌های منطقه‌ای دیگر باعث تماس آنها حول منافع مشترک به‌ویژه در سازمان ملل شده است.

گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد در راستای هماهنگی مواضع دو گروه و حفظ منافع کشورهای در حال توسعه کمیته مشترک هماهنگی<sup>۱</sup> ایجاد کردند که این کمیته در مواقع مورد نیاز به‌ویژه در مواردی که مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد خطاب هستند تشکیل جلسه می‌دهد. نشست‌های کمیته مشترک در سطح سفرا یا کارشناسان و در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار می‌شود که به روی

1. Joint Coordinating Committee of the G-77 and NAM: JCC



همه کشورهای عضو گروه ۷۷ و جنبش عدم تعهد باز است (Non-Aligned Movement, 2006). البته قرار بود این کمیته مشترک در ۱۹۹۱ ایجاد شود اما به دلیل عدم توافق اعضا، این کار در سال ۱۹۹۴ صورت گرفت.

امروزه گروه ۷۷ خواهان استفاده از ظرفیت سازمان ملل متحد در توسعه و اولویت‌یابی حق توسعه در آن است و می‌خواهد سازمان ملل متحد کنترل بیشتری بر سیاست‌های توسعه از طریق ابزارهایی چون نهادهای برتون وودز، سازمان جهانی تجارت و دیگر آژانس‌های توسعه‌ای داشته باشد تا یک رویکرد جامع نسبت به توسعه به صورت قابل پیش‌بینی، انعطاف‌پذیر و پایدار با نقش‌آفرینی سازمان ملل دنبال شود. همانند تأکیدی که جنبش عدم تعهد بر بهبود توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه از طریق سازمان ملل متحد و پیشبرد روش‌ها و رویکردهای چند جانبه دارد (Strydom, 2007: 40-41).

اما در خصوص رابطه میان گروه ۷۷ با آنکتاد؛ دستور کار گروه ۷۷ در ابتدا عملاً تحت تسلط اندیشه‌های اقتصادی در آمریکای لاتین به ویژه راثول پریش بود. با تشکیل آنکتاد، پریش اولین دبیرکل آن شد و عملاً آنکتاد دبیرخانه غیررسمی گروه ۷۷ شد. گروه ۷۷ از آنکتاد به عنوان ابزاری برای پیشبرد اهداف خود به ویژه در مذاکرات پیرامون کالاهای ساخته‌شده، تجارت بین‌الملل، توسعه و سرمایه‌گذاری بهره می‌گیرد و علاوه بر آنکتاد، خواسته‌ها، برنامه‌ها و گزارش‌های خود را در مجمع عمومی سازمان ملل متحد طرح و با استفاده از اکثریت خویش در مجمع عمومی سعی در پیشبرد اهداف خود دارد.

با این حال، برخی اعتقاد دارند که جنوب و آنکتاد نفوذ گذشته را ندارد و تحولات جهانی پس از فروپاشی شوروی نیز به کم‌رنگ شدن آنکتاد کمک کرده است. چرا که در طول جنگ سرد کشورهای در حال توسعه موقعیت بهتری برای تعاملات داشتند و می‌توانستند از رویارویی غرب و شرق استفاده کنند به گونه‌ای که آمریکا و متحدانش به عنوان بخشی از تلاش مشترک خود برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای جهان سوم همکاری‌های توسعه‌ای ارائه می‌کردند (پیس، ۱۳۸۴: ۳۳۲-۳۳۱) و یا در مقابل برخی دیگر خوش‌بینانه معتقدند سقوط کمونیسم فرصت‌های جدیدی را برای همکاری شمال-جنوب فراهم آورده است (خور، ۱۳۸۶: ۱۲۶). اما یقیناً امروز شرایط متفاوت از گذشته شده است، چرا که تشکیل آنکتاد نمایان‌گر توجه به ضرورت اعمال اصلاحات ساختاری در نظام تجارت جهانی بود به نحوی که این نظام برای توسعه سریع جنوب مفید واقع شود.

اما به زودی مشخص شد که کشورهای توسعه‌یافته فقط به تغییرات جزئی و ناچیز در ترتیبات تجاری جاری رضایت خواهند داد؛ تغییراتی که در اساس و چارچوب کلی این نظام اختلالی ایجاد نکند (نایرره، ۱۳۷۶: ۴۴).

#### ۴. ساختار و سازمان گروه ۷۷

ساختار گروه ۷۷ به تدریج و به شکلی آرام گسترش یافت، به گونه‌ای که این گروه تمرکز خود را بر آنکتاد قرار داده بود. اما به‌رغم شکل‌گیری گروه ۷۷ در ۱۹۶۴، اولین جلسه وزرای امور خارجه گروه ۷۷ در ۱۹۶۷ در الجزایر برگزار و منشور الجزیره مورد پذیرش قرار گرفت. در این منشور بیش از پرداختن به ساختار گروه ۷۷ به برنامه‌ها توجه شد و مقرر گردید تا جلسات وزرا در نشست‌های مقدماتی آنکتاد برگزار شود. تصمیم‌گیری در گروه ۷۷ مبتنی بر اجماع می‌باشد. به همین دلیل "مخالفت رسمی و قوی یک یا چند کشور، مانع از اتخاذ تصمیم یا موضع واحد می‌شود. در صورت بروز چنین شرایطی، اعضای گروه معمولاً به مواضع ملی خود یا مواضع گروه‌های جغرافیایی درون گروه ۷۷ مانند گروه آمریکای لاتین، گروه آفریقا و... رجوع می‌کنند، اما اگر کشوری در هنگام تصمیم‌گیری مخالفت رسمی و قوی ابراز نکند، سکوت کند و یا نسبت به آن موضوع مورد اختلاف "تحفظ" خود را اعلام نماید راه برای اتخاذ تصمیم هموار می‌گردد" (جواد امین‌منصور، ۱۳۹۰).

#### ۱-۴. اعضا

گروه ۷۷ بزرگ‌ترین گروه کاری در سازمان ملل متحد است که از ۱۳۱ عضو تشکیل شده است از این‌رو می‌تواند به راحتی در مجمع عمومی اکثریت لازم را برای اتخاذ تصمیم داشته باشد. برای حفظ هویت تاریخی به‌رغم افزایش تعداد اعضا، گروه همچنان نام ۷۷ را برای خود حفظ کرده است. گروه ۷۷ شرایط خاصی برای عضویت در نظر نگرفته است و کشورها به صرف در حال توسعه بودن و در صورت تمایل می‌توانند به عضویت آن در آیند.<sup>۱</sup> در گروه ۷۷ سه منطقه عمده وجود دارد: آمریکای لاتین و کارائیب، آفریقا و آسیا. کشورهای اروپایی عضو ۷۷ یعنی بوسنی و هرزگوین، قبرس، مالت و رومانی برای مدتی عضو گروه بوده و در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت داشتند. البته امروزه چند کشور از گروه ۷۷ خارج شده‌اند: قبرس، مالت و رومانی پس از پیوستن به اتحادیه اروپا و نیوزیلند، مکزیک و کره جنوبی پس از پیوستن به سازمان توسعه و

۱. جدیدترین عضو گروه ۷۷ تاجیکستان (سال ۲۰۱۰) است.

همکاری اقتصادی.<sup>۱</sup> تنها کشوری که در گروه ۷۷ و سازمان توسعه و همکاری اقتصادی عضویت مشترک دارد شیلی است (Swart and Lund, 2010: 27). گروه ۷۷ به عنوان بزرگ‌ترین ائتلاف در سازمان ملل متحد، اعضا و گروه‌های زیادی را درون خود جای داده است. کشورهای کمتر توسعه‌یافته،<sup>۲</sup> کشورهای جزیره‌ای کوچک، کشورهای محصور در خشکی، کشورهای تولیدکننده نفت، قدرت‌های نوظهور اقتصادی جنوب، گروه آلبا<sup>۳</sup> و... از جمله گروه‌های فعال در گروه ۷۷ هستند که هر کدام دارای چشم‌اندازها و اولویت‌های خاص خود می‌باشند و می‌توان تفاوت‌هایی را به لحاظ اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و... در آنها دید که بر انسجام مواضع گروه در موضوعات مختلف اعم از مسائل توسعه‌ای، حقوق دریاها، تغییرات آب و هوایی، نحوه تعامل با شمال، مسائل سیاسی و حقوق بشری و... تاثیر گذار است.

#### ۱-۱-۴. چین و گروه ۷۷

گروه ۷۷ اغلب به عنوان گروه ۷۷ و چین به اعلام مواضع خود می‌پردازد. هرچند نام چین به عنوان یکی از اعضای گروه ثبت شده است اما "چین رسماً به عضویت این سازمان در نیامده است" (Sornarajah and Wang, 2010: 109). با این حال، در همه جلسات گروه ۷۷ شرکت دارد. علت عمده این موضوع حمایت کشورهای گروه ۷۷ از جایگزینی چین در مجمع عمومی و شورای امنیت به جای چین ملی در ۱۹۷۱ می‌باشد. از زمان فروپاشی شوروی چین نقش خود را در عرصه جهانی بازتعریف کرده است. کریس آلدن معتقد است چین برای کسب حمایت سیاسی کشورهای در حال توسعه با آن‌ها همراه شده است. امروزه چین علاوه بر همراهی با کشورهای در حال توسعه در گروه ۷۷، با کشورهای توسعه‌یافته نیز در گروه بیست همراهی داشته و سعی دارد از این دو گروه برای تأمین هر چه بیشتر منافع خود بهره‌برداری کند.

#### ۲-۴. ارکان گروه ۷۷

گروه ۷۷ دارای یک رئیس (در دفتر نیویورک) به عنوان سخنگوست که اقدامات گروه را در دفاتر مختلف آن هماهنگ می‌کند. ریاست گروه عالی‌ترین مقام سیاسی در ساختار گروه ۷۷ است و به صورت دوره‌ای میان سه گروه منطقه‌ای در داخل گروه تقسیم شده

1. Organisation for Economic Co-operation and Development : OECD

1. Least Developed Countries : LDCs

2. ALBA: Antigua and Barbuda, Bolivia, Cuba, Dominica, Ecuador, Nicaragua, Saint Vincent and the Grenadines and Venezuela

است. در سال ۲۰۰۹ سودان، ۲۰۱۰ یمن و ۲۰۱۱ آرژانتین ریاست گروه را بر عهده داشته‌اند. ایران نیز در ۲۰۰۱ ریاست گروه را بر عهده داشت.

اجلاس سران جنوب عالی‌ترین رکن تصمیم‌گیری گروه ۷۷ است. به‌رغم گذشت پنج دهه از فعالیت گروه ۷۷، تاکنون تنها دو اجلاس به ترتیب در هاوانا (کوبا) در سال ۲۰۰۰ و دوم در ۲۰۰۵ در دوحه (قطر) برگزار شده است که مهم‌ترین موضوعات این اجلاس‌ها اتخاذ استراتژی مشترک برای تأمین منافع کشورهای در حال توسعه در تمام عرصه‌های تجارت، سرمایه‌گذاری، سیاست‌های صنعتی، محیط‌زیست، مالی و... است.

نشست سالانه وزرای امور خارجه گروه ۷۷ نیز هر ساله در حاشیه اجلاس عادی مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار می‌شود. همچنین، یک کمیته پیگیری و هماهنگی برای همکاری‌های اقتصادی میان کشورهای در حال توسعه<sup>۱</sup> متشکل از مقامات ارشد، هر دو سال یک بار برای بررسی اقدامات کشورها در زمینه اجرای برنامه عمل کاراکاس<sup>۲</sup> (۱۹۸۱) و پیشرفت اجرای نتایج نشست‌های سران اجلاس جنوب در زمینه همکاری‌های جنوب - جنوب فعالیت می‌کند. ضمن آنکه نشست‌های مناسبی وزرای امور خارجه نیز مانند بیست‌وپنجمین، سی‌امین و چهلمین سالگرد تأسیس گروه در کاراکاس (۱۹۸۹)، نیویورک (۱۹۹۴) و سائوپولو (۲۰۰۴) برگزار شده است. گروه ۷۷ در سال ۱۹۹۴ در سی‌امین سالگرد فعالیت خود تصمیم گرفت تا در جهت پیشبرد اهداف خود دفاتری در مراکز عمده نمایندگی‌های تخصصی سازمان ملل متحد باز کند (Promotion of South-South cooperation for development, 2009: 19). بر این اساس این دفاتر گشوده شد: دفتر ژنو نزد آنکتادا، دفتر نایروبی نزد برنامه محیط‌زیست ملل متحد،<sup>۳</sup> دفتر پاریس نزد یونسکو،<sup>۴</sup> دفتر رم نزد سازمان خواروبار و کشاورزی<sup>۵</sup> و صندوق بین‌المللی برای توسعه کشاورزی،<sup>۶</sup> دفتر وین نزد سازمان توسعه صنعتی ملل متحد<sup>۷</sup> و گروه ۲۴<sup>۸</sup> در واشنگتن نزد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول.

1. Intergovernmental Follow-up and Coordination Committee on Economic Cooperation among Developing Countries : IFCC

2. Caracas Programme of Action : CPA

3. United Nations Environment Programme: UNEP

4. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization : UNESCO

5. Food and Agriculture Organization of The United Nations : FAO

6. International Fund for Agricultural Development : IFAD

7. United Nations Industrial Development Organization : UNIDO

8. Group of 24 : G-24

#### ۴-۲-۱: گروه ۲۴

گروه ۲۴ در سال ۱۹۷۱ برای ایجاد هماهنگی در مواضع کشورهای در حال توسعه در واشنگتن و در نزد بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول ایجاد شد. هدف گروه تمرکز بر امور مالی و پولی کشورهای در حال توسعه و اطمینان از حفظ منافع آنان در مذاکرات است. هر چند گروه ۲۴ از ارکان صندوق بین‌المللی پول نیست اما این صندوق به گروه ارائه خدمات می‌کند و جلسات آن سالی دو بار قبل از نشست‌های صندوق و بانک برگزار می‌شود.

مکزیک تنها کشور عضو گروه ۲۴ است که اکنون عضو گروه ۷۷ نیست. ایران نیز در این گروه عضویت دارد. چین نیز عضو ویژه<sup>۱</sup> (علاوه بر ۲۴ عضو) گروه ۲۴ است. کشورهای عضو گروه ۷۷ که عضو گروه ۲۴ نیستند می‌توانند به عنوان ناظر در جلسات گروه ۲۴ شرکت کنند (<http://www.g24.org/aboutg24.htm>). این گروه همانند گروه ۷۷ دارای سه منطقه جغرافیایی آفریقا، آمریکای لاتین و کارائیب و آسیا می‌باشد و در دو سطح سیاسی (وزیران مالی و بانک مرکزی) و سطح مقامات تعیین‌شده (به عنوان معاونان) عمل می‌کند.

#### ۴-۳: دبیرخانه

گروه ۷۷ دارای یک دفتر کوچک در دبیرخانه سازمان ملل متحد بود و از سال ۲۰۰۰ یک دبیرخانه برای گروه ایجاد شد. البته ایجاد دیرهنگام این دبیرخانه بنا به دلایلی چون هزینه‌های آن با مخالفت‌هایی هم همراه بود.

در گروه ۷۷ جایگاه یک کشور می‌تواند بر روند اتخاذ تصمیم‌گیری‌ها و هدایت آن مؤثر باشد. به عنوان مثال، کشورهای چون برزیل، چین، مصر، ایران، هند، اندونزی، مالزی، نیجریه، پاکستان، آفریقای جنوبی، ونزوئلا (Dodds and Strauss, 2004: 28) کوبا و آرژانتین از نقش مهمی در گروه ۷۷ برخوردارند و تلاش دارند تأثیر بیشتری بر روند تصمیم‌گیری‌های گروه داشته باشند. حق عضویت کشورها در گروه ۷۷ پنج هزار دلار و به صورت داوطلبانه است و برخی کشورها از جمله چین علاوه بر حق عضویت کمک‌هایی پرداخت می‌کنند. در حالی که برخی کشورها همین مبلغ را نیز پرداخت نکرده‌اند.

## ۵. بررسی موردی تأثیر ساختار گروه ۷۷ بر برخی از اقدامات مهم آن

### ۵-۱. نظم نوین اقتصاد بین‌المللی<sup>۱</sup>

همان‌گونه که پیش از این عنوان شد گروه ۷۷ با هدف تحقق اهداف خود از ابتدا تغییر در نظام اقتصادی حاکم بر جهان را در دستور کار خود قرار داد تا بتواند از طریق ایجاد نظم نوین در جهت منافع کشورهای در حال توسعه عمل کند. با توجه به خاستگاه گروه، گروه ۷۷ سازمان ملل متحد، مجمع عمومی و آنکتاد را در اولویت خود برای این تغییرات قرار داد. در بیانیه آغاز به کار گروه در ۱۹۶۴ و پس از آن در منشور الجزیره پیگیری نظم نوین اقتصاد بین‌المللی دنبال شد. در جریان اجلاس الجزیره موضوعاتی مانند کاهش بدهی‌ها و دسترسی به بازارهای کشورهای توسعه‌یافته مورد بحث قرار گرفت، اما اختلافاتی ناشی از گروه‌بندی‌ها و اولویت‌های منطقه‌ای میان برخی کشورها که حرکت گام به گام را دنبال می‌کردند با برخی دیگر که تغییرات ساختاری در اقتصاد بین‌المللی را مورد نظر داشتند، وجود داشت. کشورهای آفریقایی تغییرات ساختاری در روابط با استعمارگران و کشورهای آمریکای لاتین حذف تدریجی تنظیمات موجود در تجارت را مورد تأکید قرار می‌دادند (Swart and Lund, 2010: 15). از نگاه دیگر منشور الجزیره و برخی مواضع اتخاذشده پس از آن در کنار اعلام دیدگاه واحد جنوب، بازتابی از شکاف میان جنوب و مناطق مختلف آن بود. به گونه‌ای که اولویت‌های آن در حالی از سوی مناطق آمریکای لاتین و آسیا پشتیبانی می‌شد که آفریقا حمایت زیادی از آن نمی‌کرد. چرا که آمریکای لاتین به نسبت کشورهای کمتر توسعه‌یافته آفریقا و برخی مناطق آسیا، اولویت‌های متفاوتی داشت (Alden, Morphet and Vieira, 2010: 65). دومین اجلاس آنکتاد در ۱۹۶۸ نیز موجب نشد جنوب در این باره امتیازاتی از شمال دریافت کند. اما درخواست برای تغییر در نظم موجود در دهه ۱۹۷۰ به اوج خود رسید. چرا که این موضوع با بحران نفتی این دهه مصادف شد که قیمت نفت را چهار برابر کرد. رهبران کشورهای در حال توسعه از این تجربه برای بهره‌گیری از کالاهای خود به‌عنوان اهرم فشار برای تجدیدنظر در نظم اقتصادی حاکم استفاده کردند. آنها همچنین تلاش کردند از اکثریت خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و آنکتاد برای نمایش قدرت خود استفاده کنند. مهم‌ترین هدف سرعت‌دادن به توسعه اقتصادی کشورهای خود و تغییر الگوی توزیع درآمد بود. اما همان‌طور که اشاره شد تنوع در میان اعضای گروه ۷۷ باعث شد تا این گروه ضمن اتفاق نظر در خصوص لزوم اصلاحات، پیرامون راهکارها اجماع نداشته باشد. زیرا در میان اعضای گروه هم کشورهای صادرکننده و هم

1. New International Economic Order : NIEO

واردکننده نفت، کشورهای ساحلی، کشورهای محصور در خشکی و کشورهای تولیدکننده محصولات کشاورزی و یا تازه صنعتی شده حضور داشتند. خواسته‌های عمده این کشورها از شمال این بود: سرعت‌بخشیدن به روند انتقال فناوری، بهبود شرایط تجاری برای جنوب، چندجانبه‌کردن کمک‌های عمرانی خارجی، مذاکره شمال با جنوب برای انعقاد موافقت‌نامه‌هایی در زمینه تثبیت قیمت کالاها برای حمایت از کالاهای اولیه جنوب در برابر تحولات قیمت در بازار جهانی، کاهش بدهی‌های خارجی جهان سوم از طریق تجدیدنظر در برنامه‌های بازپرداخت و یا لغو بدهی‌ها، پذیرش بستر دریا‌های آزاد به‌عنوان "میراث مشترک بشریت"<sup>۱</sup>، تخصیص بخشی از منافع اقتصادی بهره‌برداری شده از آن توسط کشورهای صنعتی به صندوق توسعه بین‌المللی جنوب و... (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۳۸۹).

نظم نوین اقتصاد بین‌المللی با تلاش‌ها و فشار گروه ۷۷ در قالب مجمع عمومی سازمان ملل متحد<sup>۲</sup> در مه ۱۹۷۴ مورد پذیرش قرار گرفت. در قطعنامه مجمع عمومی برخی اهداف گروه ۷۷ مانند مسئله بدهی‌ها، تأمین مالی برای توسعه، انتقال فناوری، همکاری‌های جنوب - جنوب، حق حاکمیت کشورها بر منابع طبیعی خود و به ویژه تقویت جایگاه سازمان ملل متحد در اصلاحات موردنظر مورد اشاره قرار گرفت. در همان سال نیز منشور حقوق و تکالیف اقتصادی کشورها<sup>۳</sup> مورد پذیرش واقع شد. منشوری که براساس آن بر مشارکت برابر جنوب در مؤسسات مالی بین‌المللی (مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که تحت تسلط شمال است) و توزیع ثروت تأکید شد و اصول و اقدامات لازم برای اجرای نظم نوین را مشخص می‌کرد. به‌رغم برخی دیدگاه‌های خوش بینانه نسبت به پذیرش نظم نوین اقتصاد بین‌المللی بسیاری از اصلاحات مورد نظر جنوب محقق نشده است، از جمله دلایل آن می‌توان به اختلاف در راهکارهای جنوب، ضعف‌های نهادی و قدرت کم سازمان ملل متحد در قیاس با نهادهای تحت تسلط شمال و وقایع دهه ۱۹۸۰ مانند بحران اقتصادی جدید،<sup>۴</sup> افزایش بدهی‌های جنوب و... اشاره کرد. البته نظم نوین اقتصاد بین‌المللی توانست تا حدودی برخی از تقاضاهای جنوب را نیز برآورده کند. انتقال فناوری به کشورهای تازه

1. Common Heritage of Mankind

2. A/RES/S-6/3201

3. Charter of Economic Rights and Duties of States

۴. کشورهای توسعه‌یافته در این دهه بحران اقتصادی را دلیلی برای عدم کمک یا کاهش کمک به بودجه سازمان

ملل متحد از جمله برای برنامه‌های مرتبط با کشورهای در حال توسعه عنوان کردند.

صنعتی شده، تن دادن شمال به یک نظام ترجیحات عمومی<sup>۱</sup> برای فرآورده‌های صنعتی- و نه کشاورزی - صادراتی جنوب و تسهیلات تجاری اروپا برای جهان سوم از این جمله است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۳۹۰). تلاش‌های جنوب در این باره همچنان در قالب اجلاس‌های سران جنوب و نیز اقدام در کمیته دوم مجمع عمومی ادامه دارد. به‌گونه‌ای که در سال ۲۰۰۸ نیز در کمیته دوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجدداً قطعنامه‌ای با عنوان "به سوی یک نظم نوین اقتصاد بین‌المللی" به‌رغم مخالفت آمریکا و رأی ممتنع سایر کشورهای توسعه‌یافته به تصویب رسید.

## ۲-۵. حق توسعه<sup>۲</sup>

گروه ۷۷ همراه با عدم‌تعهد به‌عنوان نماینده کشورهای در حال توسعه در پیگیری ایجاد یک نظم نوین و عادلانه اقتصاد بین‌المللی، موضوع حق توسعه را به عنوان یکی از حقوق اساسی بشر مورد تأکید قرار می‌دادند. نهایتاً این امر در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قالب اعلامیه حق توسعه در دسامبر ۱۹۸۶ به تصویب رسید. آمریکا به این اعلامیه رأی منفی و هشت کشور دیگر رأی ممتنع دادند. کشورهای در حال توسعه با اعلام این که حق توسعه حق بشری است، تلاش کردند از طریق سازمان ملل متحد بر روابط اقتصادی بین‌المللی و نظام بین‌المللی حقوق بشر اثر بگذارند. این اعلامیه حق توسعه را به عنوان یک حق مسلم بشر و غیرقابل انکار مورد شناسایی قرار می‌دهد که براساس آن هر فرد و همه مردم حق دارند در توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که در آن تمام حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی می‌توانند به‌طور کامل تحقق یابند، شرکت و به آن کمک کنند. مطابق این اعلامیه برابری فرصت برای توسعه حقی قانونی برای همه ملت‌ها و افراد است. کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند حق توسعه حقی جدید و متمایز از سایر حقوق است. آنها معتقدند حق توسعه از ابعاد بین‌المللی به صورت تعهد به کمک و همکاری بین‌المللی برای ارائه منابع و ایجاد شرایط بین‌المللی مساعد برای تحقق حق توسعه برخوردار است. به اعتقاد آنها این حق نباید به کمک بین‌المللی جهت توسعه و برنامه‌های ملی و بین‌المللی کاهش فقر- در چارچوب اهداف توسعه هزاره- تقلیل یابد (شایگان، ۱۳۸۸: ۹۶). ریشه تأکید بر حق توسعه به اولویت‌دادن این کشورها به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر حقوق مدنی و سیاسی باز می‌گردد. همان‌گونه که گروه ۷۷ "توسعه را شرط لازم برای صلح پایدار و بیشترین اولویت را برای حق توسعه به عنوان حقوق اساسی بشر قائل و تأکید بر نقش

4. Generalized System of Preferences: GSP

3. Right to Development



سازمان ملل متحد در این باره دارد" (Ministerial Declaration Adopted on the Occasion of the Thirtieth Anniversary 1994, P. 6 of the Group of 77) هر چند که در این خصوص رویکرد جهان سوم به حق توسعه و نیز حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، یکسان نیست. برخی کشورهای در حال توسعه به حق توسعه برای کاهش نابرابری در تجارت بین‌المللی، دستیابی به تکنولوژی، حل مسئله بدهی‌ها و... نگاه صرف اقتصادی دارند و برخی دیگر نیز سعی می‌کنند در روند توسعه خود معیارهای حقوق بشری را هم مورد توجه و احترام قرار دهند. یکی از نقاط افتراق میان اعضای گروه ۷۷ مسائل سیاسی و حقوق بشر است. تا آنجا که به‌رغم فعال بودن گروه ۷۷ در اکثر کمیته‌های مجمع عمومی، نهادها و مجامع سازمان ملل متحد، اعضای گروه ترجیح می‌دهند در مباحث سیاسی و حقوق بشری وارد نشوند. البته این به ماهیت گروه ۷۷ بازمی‌گردد جایی که گروه اولویت‌های اقتصادی و عدم تعهد اولویت‌های سیاسی را مورد توجه قرار داده است. لذا، در برخی رأی‌گیری‌ها در کمیته سوم مجمع عمومی و همچنین در شورای حقوق بشر کشورهای عضو گروه ۷۷ غالباً به‌طور مستقل از یکدیگر (عدم مشارکت در رأی‌گیری و یا حتی همراهی با شمال) عمل می‌کنند.

### ۳-۵. اهداف توسعه هزاره<sup>۱</sup>

در طول دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل متحد نشست‌های متعددی پیرامون موضوعاتی چون توسعه، صلح، محیط زیست، حقوق بشر و... برگزار کرد. هدف از این نشست‌ها تهیه دستور کار جامعی برای پیشرفت، مبتنی بر یک دسته حقوق و زمان مشخص برای دستیابی به آن بود. نهایتاً در سال ۲۰۰۰ سران کشورها اعلامیه توسعه هزاره را مورد پذیرش قرار دادند. این اعلامیه دامنه وسیعی از تعهدات و برنامه‌ریزی فعالیت‌ها را در سطح بین‌المللی شامل می‌شود و مسائل مربوط به صلح، امنیت، توسعه، محیط‌زیست، حقوق بشر و حکومت را پوشش می‌دهد. با توجه به تمرکز موضوع در کمیته دوم مجمع عمومی و نیز حضور فعال گروه ۷۷ در این کمیته با هدف ریشه‌کنی فقر، انتقال فناوری و... برای دستیابی به توسعه، گروه ۷۷ به واسطه هماهنگی مواضع خود با اهداف توسعه هزاره نقش مهمی در آن داشت. رهبران جهان هشت آرمان مهم را در اعلامیه که محدود به دوره زمانی تا سال ۲۰۱۵ و قابل سنجش می‌باشد مورد تأکید قرار دادند. این آرمان‌ها که برای مبارزه با فقر، گرسنگی، بیماری، بی‌سوادی، تخریب محیط‌زیست و

1. Millennium Development Goals (MDGs)

تبعیض علیه زنان می‌باشد عبارتند از: ریشه‌کن ساختن فقر شدید و گرسنگی، ترویج و تبلیغ برابری زن و مرد و توانمندسازی زنان، کاهش مرگ‌ومیر کودکان، بهبود وضعیت بهداشت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری‌ها، تضمین پایداری محیط‌زیست و ایجاد مشارکت جهانی برای توسعه و پیشرفت (<http://www.un.org.ir/farsi/mdgs.asp>). نظارت و ارزیابی این اهداف به صورت "جهانی" در قالب گزارش دبیرکل به مجمع عمومی و "کشوری" صورت می‌گیرد. گروه ۷۷ به‌رغم موفقیت در شکل دادن به اهداف توسعه هزاره، در تضمین اجرای آن کمتر موفق بوده است. به‌ویژه آن که اختلاف میان کشورهای در حال توسعه در زمینه راهکارها برای پیشبرد این اهداف و نیز اختلاف میان جنوب و شمال نیز در این امر بی‌تأثیر نبوده است. این اختلاف‌ها خود را در مسائلی چون اولویت‌های سیاست‌های توسعه، محیط‌زیست و... نشان داده است. برای مثال، در موضوعات زیست‌محیطی کشورهای جنوب در حالی که با شمال اختلاف نظر دارند، نتوانسته‌اند در میان خود نیز به اتفاق نظر دست یابند. برای روشن کردن این موضوع می‌توان به کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره تغییرات آب‌وهوایی<sup>۱</sup> اشاره کرد. بازیگران اصلی در بحث تغییرات آب‌وهوایی آمریکا، اتحادیه اروپا و گروه ۷۷ و چین هستند. اما درون گروه ۷۷ برخی گروه‌ها شامل بعضی اعضای اوپک، کشورهای آمریکای لاتین، ائتلاف کشورهای جزیره‌ای کوچک، کشورهای آفریقایی یا کشورهای محصور در خشکی بر اساس منافع و آرای خاص خود فعالیت می‌کنند. گروه ۷۷ و چین در این چارچوب اعتقاد دارند که کشورهای ثروتمند باید مسئولیت تاریخی خود را برای بروز تغییرات آب‌وهوایی بپذیرند و انتشار گازهای گلخانه‌ای خود را کاهش داده و اجازه دهند روند توسعه در کشورهای گروه ۷۷ و چین تداوم یابد. موضع واحد گروه ۷۷ در قبال تغییرات آب‌وهوایی، رویکردی توسعه‌محور به آن است. آنها بر شناسایی "مسئولیت‌های مشترک اما متفاوت" به‌عنوان یک اصل محوری و انتقال فناوری برای برنامه‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کنند. اما در عین اتخاذ این موضع واحد، گروه‌های درون گروه ۷۷ به دلیل گستردگی در میان کشورها و مناطق، دغدغه‌های مختلفی داشته از این‌رو در تحقق اهداف و راهکارها اتفاق نظر ندارند به‌گونه‌ای که در اجلاس کپنهاگ ۲۰۰۹: برخی اعضای اوپک، ائتلاف کشورهای جزیره‌ای کوچک، کشورهای کمتر توسعه‌یافته در آفریقا و... نگرانی‌ها و طبیعتاً مواضع متفاوتی داشتند و با توجه به این که انتشار گازهای گلخانه‌ای برخی از این کشورها اندک بود و در مقایسه با سایر کشورها آمادگی کمتری برای برخی تغییرات و تعهدات داشتند

1. UN Framework Convention on Climate Change : UNFCCC

خواستار تعهد بیشتری از سوی چین و هند برای کاهش گازهای گلخانه‌ای شدند (2: 2009, a guide to the UN climate change summit) و یا گروه بیسیک با وارد شدن به یک توافق با آمریکا موجب نگرانی اعضای گروه ۷۷ شد. این‌گونه پراکندگی‌ها موجب شده تا گروه ۷۷ در روند مذاکرات از انسجام کافی برخوردار نباشد.

### ۶. ارزیابی گروه ۷۷ براساس ساختار آن

یکی از ضعف‌های عمده گروه ۷۷ که در پراکندگی مواضع و کاهش وفاداری اعضا بی‌تاثیر نبوده است، عدم پیچیدگی یا فقدان و یا تأخیر در شکل‌دادن به ارکان گروه می‌باشد. به‌گونه‌ای که دبیرخانه رسمی گروه ۳۶ سال پس از آغاز به کار گروه ایجاد شد. همچنان به‌رغم آنکه این گروه از اکثریت بالایی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد برخوردار است با تفاوت دیدگاه و اولویت‌های میان اعضا و مناطق خود به‌رغم اتخاذ مواضع مشترک مواجه است.

از سوی دیگر، عدم انسجام و هماهنگی میان اعضا و یا حتی ارکان گروه به ایجاد مشکلاتی برای آن دامن زده است. این ناهماهنگی‌ها در درون اعضای گروه به واسطه معیارهای اقتصادی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی و حتی مذهبی همچنان تداوم دارد. به‌گونه‌ای که حضور کشورهای مختلف در تقسیمات منطقه‌ای گروه ۷۷ که خود انعکاسی از تفاوت در نگاه سیاسی، اقتصادی و... کشورهای آن است و موجب شده هر کدام از مناطق اولویت‌های خاصی را دنبال کنند. از سوی دیگر، برخی کشورها در برخی موضوعات (توسعه و مالی) با کشورهای درحال توسعه و در پاره‌ای از موضوعات (سیاسی و حقوق بشری) با کشورهای توسعه‌یافته همراهی می‌کنند که این مشکل ناشی از فقدان منافع و سیاست‌های یکسان در داخل گروه ۷۷ است. عضویت باز کشورها با حداقل شرایط موجب تنوع زیاد اعضای گروه شده است. این امر خود را در طولانی شدن مذاکرات برای گرفتن یک تصمیم ناشی از شیوه تصمیم‌گیری مبتنی بر اجماع نشان می‌دهد. از سوی دیگر، تعدد کشورها و تنوع منافع باعث شده برخی کشورها به ترک گروه برای پیوستن به گروه‌های دیگر در تحقق اهداف و پیگیری منافع خود اقدام کنند.<sup>۱</sup> برخی از کشورها براین اساس از گروه ۷۷ خارج می‌شوند که می‌توانند راحت‌تر به تعامل با کشورهای توسعه‌یافته در پیگیری اهداف خود بپردازند.

۱. جدا از نمونه‌های مورد اشاره قبلی مانند مکزیک، کره جنوبی و... می‌توان به خروج پائولو در سال ۲۰۰۴ برای پیوستن به ائتلاف کشورهای جزیره‌ای کوچک اشاره کرد.

یکی از مهم‌ترین مشکلات گروه ۷۷ منابع مالی آن است. یک سازمان بین‌المللی زمانی می‌تواند در پیگیری اهداف خود موفق باشد که از تمامی ابزارها و بازوهای اجرایی، مطالعاتی، سیاسی و... برخوردار باشد. در حالی که فقدان منابع مالی موجب شده تا ارگان‌های کمتری شکل بگیرد، فاصله نشست‌ها طولانی شود (پنج سال فاصله زمانی برای اجلاس سران)، اجلاس‌ها برگزار نشود (عدم برگزاری اجلاس سران در آفریقای جنوبی در ۲۰۱۰ به دلیل تعهدات مالی این کشور در جام جهانی فوتبال) و مطالعات لازم برای تقویت طرح‌ها و پیشنهادات صورت نگیرد. نکته دیگر تاثیر جایگاه گروه نزد کشورهای عضو است. به عنوان نمونه می‌توان به نگاه سیاسی چین به گروه برای پیشبرد اهداف خود اشاره کرد. آنجا که چین علاوه بر عضویت در این گروه در نقطه مقابل در گروه بیست نیز حضور دارد سعی دارد از عضویت در هر دو گروه به سود خود بهره‌برداری کند به گونه‌ای که برخی مدعی هستند نگاه چین به گروه ۷۷ بیشتر سیاسی است تا اقتصادی. یا برخی از کشورها به عنوان قدرت‌های نوظهور اقتصادی بیشتر تمایل دارند با کشورهای توسعه‌یافته تعامل کنند و کمتر تمایل به بهره‌گیری از توان خود به سود گروه دارند.

به‌رغم این ضعف‌ها و نارسایی‌ها، عواملی نیز وجود دارد که موجب شده گروه ۷۷ همچنان کار خود را تداوم بخشیده و به موفقیت‌های نسبی نیز دست یابد.

گروه ۷۷ همچنان دستور کار اولیه خود یعنی مسائل مربوط به توسعه و تجارت را دنبال می‌کند. آمارهای کنونی حاکی است شکاف میان کشورهای جنوب و شمال همچنان پابرجاست. از این جهت تداوم نیاز به توسعه و اصلاح سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی حاکی از تداوم کارگروه ۷۷ است. از این جهت یکی از جنبه‌های بقای گروه که به مسئله زمان ارتباط دارد، آن است که یک شیوه عمل زمان بیشتری را پشت سر بگذارد. همچنین تا زمانی که کارویژه اصلی گروه همچنان پابرجاست، تداوم کار سازمان نیز همچنان محتمل است. ضمن این که در بحث تطبیق‌پذیری، این گروه توانسته علاوه بر این دستور کار سنتی در جهان در حال تغییر و دگرگونی، مسائل و موضوعات دیگری چون امور انسان‌دوستانه و حتی تاحدودی حقوق بشری را دنبال کند. ضمن آنکه مسائل مالی و اداری و اصلاحات در سازمان ملل متحد را نیز جزو اولویت‌های خود قرار داده است. در این راستا یکی از مهم‌ترین اصول در دستور کار گروه ۷۷، تساوی حاکمیت کشورهاست. بنابراین از نگاه این گروه، پیشنهادات اصلاحی در سازمان ملل متحد که ممکن است باعث افتراق میان کشورها از جهت اندازه، جمعیت و یا سهمیه مالی شود مورد قبول نیست. ضمن آنکه آن‌ها به استقلال عمل بیشتر دبیرکل (Martinetti, 2007: 4) و تقویت نقش سازمان ملل متحد در مسائل

اقتصادی و سیاسی بین‌المللی قائل هستند. از دیگر موضوعات در این قسمت می‌توان به تلاش گروه برای گسترش و تقویت ساختارهای داخلی (در قالب نشست‌ها، توسعه دفاتر، ایجاد دبیرخانه در سال ۲۰۰۰، بازوهای اداری و اجرایی و...) اشاره کرد تا بتواند با افزایش وفاداری اعضا و نزدیکی بیش از پیش مواضع آنها به یکدیگر و با بهره‌گیری از اکثریت مهم و اثرگذار در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به پیشبرد اهداف خود کمک کند.

گروه ۷۷ توانسته از این طریق مفاهیم جدیدی مانند حق توسعه و مالکیت ملی بر منابع ژنتیک و طبیعی را به میز مذاکرات جهانی بیاورد. بر نقش توسعه در صلح و امنیت بین‌المللی تأکید کند. به ایفای نقش در اصلاحات سازمان ملل متحد پردازد. در ایجاد دانشگاه سازمان ملل متحد، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد و صندوق بین‌المللی برای توسعه اقتصادی و... نقش اصلی را ایفا کند. "در پاسخ به فشارهای جنوب، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، کمیته توسعه را در سال ۱۹۷۴ ایجاد کردند و گات به کشورهای جنوب اجازه داد تا از قانون معامله متقابل سال ۱۹۶۵ عدول کنند" (خور، ۱۳۸۶: ۱۳۳). در پذیرش اعماق دریاها به عنوان میراث مشترک بشریت در کنوانسیون حقوق دریاها در ۱۹۸۲ موفق عمل کند و در موضوعاتی چون طرح نظم نوین اقتصاد بین‌المللی برای اصلاحات در اقتصاد جهانی، فشار بر کشورهای صنعتی برای تدارک و تأمین کمک‌های خارجی و فنی، طرح و پیشبرد اهداف توسعه هزاره (همراه با کشورهای توسعه‌یافته) و... موفقیت‌هایی به صورت نسبی کسب کند.

## ۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

استیون کراسنر معتقد است کشورهای درحال توسعه دو رفتار را در پیگیری اهداف خود در نظام بین‌الملل دنبال می‌کنند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۳۹۰): اول "رفتارهای مبتنی بر روابط قدرت" که در این چارچوب رژیم‌های موجود را پذیرفته و تلاش می‌کنند تا از طریق مؤسسات اقتصادی موجود مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مشکلات ارزی و کمبود سرمایه را تاحدودی رفع کنند. به اعتقاد او رفتار دوم "رفتارهای فراقدرتی" است. هدف این رفتارها بازسازی رژیم‌های بین‌المللی و تغییر اصول و قواعد و نهادها به نفع کشورهای آسیب‌پذیرتر است. به عقیده کراسنر کشورهای درحال توسعه به واسطه فقدان قدرت مادی برای ایجاد تغییرات اساسی در اقتصاد بین‌المللی بیشتر بر نطق‌های سیاسی و قدرت رأی خود در سازمان‌های بین‌المللی تأکید دارند. رفتار کشورهای درحال توسعه در قالب گروه ۷۷ بیشتر در چارچوب رفتار دوم قابل تفسیر

است. هر چند که این اقدامات موجب شده تا در چارچوب اول فرصتی برای کشورها در بهره‌گیری از منابع مؤسسات اقتصادی بین‌المللی فراهم شود.

کشورهای در حال توسعه برخلاف کشورهای شمال که خواهان تمرکز سازمان ملل متحد بر موضوعاتی چون صلح و امنیت و حقوق بشر و... هستند بیشتر بر تقویت جایگاه سازمان ملل متحد و تمرکز آن به ویژه در مسائل اقتصادی و توسعه تأکید دارند، کما این که امروزه فقر، توسعه‌نیافتگی و... خود جزو منابع تهدید صلح و امنیت جهانی محسوب می‌شوند؛ جایی که گروه ۷۷ و اعضایش از اکثریت آرا برای پیشبرد نیات و مقاصد خود برخوردار هستند و می‌توانند از طریق آن به توسعه همکاری‌های جنوب-جنوب، مذاکره برای توافقات احتمالی با شمال، برخورداری از حمایت‌نهادهای زیرمجموعه سازمان ملل متحد مانند آنکتاد، برنامه عمران ملل متحد<sup>۱</sup> و... اقدام کنند. از این‌رو می‌توان آینده گروه ۷۷ و کشورهای عضو آن را با جایگاه سازمان ملل متحد در ارتباط دانست. هر چند گروه ۷۷ در مجمع عمومی که تصمیمات آن لازم‌الاجرا نیست، از قدرت اخذ تصمیم برخوردار است اما این خود امتیازی برای مشروعیت‌بخشی به خواست‌ها و مطالبات کشورهای در حال توسعه است. البته این امر مستلزم آن است که کشورهای در حال توسعه برای تحقق اهداف خود ابتدا به مواضع، سیاست‌ها و رویکردی واحد دست یابند. این امر در قالب گروه ۷۷ می‌تواند صورت گیرد. کشورهای در حال توسعه که برای پیشبرد اهداف خود در پی دموکراتیک‌کردن روند تصمیم‌گیری در نهادهای بین‌المللی هستند باید این کار را از گروه ۷۷ آغاز کنند و از این طریق ضمن تقویت گروه زمینه افزایش وفاداری اعضا به تصمیمات آن را فراهم کنند و مانع از توفیق سیاست‌های تفرقه‌افکنانه شمال برای کاستن از توان اثرگذاری خود شوند. یکی از ضعف‌های جنوب در قیاس با شمال، فقدان کارایی سازمان‌ها و عدم پیچیدگی و اثرگذاری اتحادها میان آنان است. از این‌رو گسترش همکاری میان مناطق مختلف از طریق اتحادها و سازمان‌های منطقه‌ای جنوب، در کنار رفتارهای دموکراتیک می‌تواند زمینه موفقیت در چارچوب گروه ۷۷ را نیز فراهم کند. گروه ۷۷ زمانی می‌تواند به عنوان سخنگو و مدافع کشورهای در حال توسعه عمل کند، که خود مورد اعتماد و حمایت کشورهای عضو باشد. ضمن آن که هر چه گروه ۷۷ به لحاظ ساختار منسجم‌تر و به لحاظ شرایط جدید بین‌المللی در حوزه‌های اقتصادی و حتی سیاسی، از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار باشد، کارایی و توان اثرگذاری آن نیز افزون‌تر خواهد بود. این امر مستلزم آن است که گروه ۷۷ مانند نهادهای کشورهای توسعه‌یافته که از

توان تشکیلاتی، اداری، کارشناسی، مالی و خدماتی برخوردارند، با تأمین منابع مالی، به تقویت ساختار خود و به ویژه دبیرخانه جدیدالتأسیس‌اش پردازد تا از این طریق فعالیت‌های اداری، مطالعاتی، اطلاعاتی و ارتباطی گروه افزایش یابد. این امر نه تنها به تقویت و توسعه همکاری‌ها میان کشورهای در حال توسعه بلکه به تحکیم مواضع آنها در مذاکرات بین‌المللی با کشورهای توسعه‌یافته منجر خواهد شد.

### منابع

۱. پیس، کلی کیت اس (۱۳۸۴)، **سازمان‌های بین‌المللی**، ترجمه: حسین شریفی طراز کوهی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. تقوی، مهدی (۱۳۸۹)، **تجارت بین‌الملل**، چاپ دوم، نشر بازتاب.
۳. خور، مارتین (۱۳۸۶)، **جهانی‌شدن و جنوب**، ترجمه و تدوین: احمد ساعی، چاپ دوم، تهران: نشر قومس.
۴. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲)، **نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل**، ترجمه: علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۵. ساعی، احمد (۱۳۸۸)، **توسعه در مکاتب متعارض**، چاپ سوم، تهران: نشر قومس.
۶. شایگان، فریده (۱۳۸۸)، **حق توسعه**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: نشر گرایش.
۷. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، **اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل**، چاپ هفتم: تهران: انتشارات سمت.
۸. نایره، ژولیوس (۱۳۷۶)، **چالش جنوب "گزارش کمیسیون جنوب"**، ترجمه: ابراهیم خلیلی، چاپ اول، تهران: نشر قومس.
۹. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۵)، **نظریه برخورد تمدن‌ها: هانتینگتون و منتقدانش**، ترجمه: مجتبی امیری‌وحید، تهران: انتشارات امیرکبیر.

10. Alden, Chris and Morphet, Sally and Vieira, Marco Antonio (2010), **The South in World Politics**, London: Palgrave Macmillan.
11. Dodds Felix and Michael Strauss (2004), **How to Lobby at Intergovernmental Meetings**, London: Earthscan.
12. Martinetti, Irene, **UN Management Reform the Role and Perspective of the G77**, Center for UN Reform Education, 8 September 2007, at: <http://www.centerforunreform.org/system/files/UN+Reform+Watch+No.+28.pdf>
13. Barnett, Jon, **The Geopolitics of Climate Change**, **Geography Compass** 1/6 (2007), at:

[http://www.personalweb.unito.it/silvana.dalmazzone/Barnett\\_GeopoliticsClimateChange.pdf](http://www.personalweb.unito.it/silvana.dalmazzone/Barnett_GeopoliticsClimateChange.pdf)

14. Swart Lydia and Jakob Lund (2010), *The Group of 77: Perspectives on Its Role in the UN General Assembly*, Center for UN Reform.

15. Sornarajah Muthucumaraswamy and Jiangyu Wang (2010), **China, India and the International Economic Order**, Cambridge: Cambridge University Press.

16. **Non-Aligned Movement**, 1 December 2006, at:

<http://www.dfa.gov.za/foreign/Multilateral/inter/nam.htm>

17. Strydom, Hennie (2007), **The Non-Aligned Movement and the Reform of International Relations**, Vol. 11.

18. **A Guide to the UN Climate Change Summit**, November 2009, at: <http://pubs.iied.org/pdfs/17074IIED.pdf>

#### اسناد

**Joint Declaration of the Group of 77**, 15 June 1964, at:

<http://www.g77.org/doc/Joint%20Declaration.html>

**Ministerial Declaration Adopted on the Occasion of the Thirtieth Anniversary of the Group of 77**, 27 June 1994, P.6, at:

[http://www.g77.org/doc/docs/Declaration-25\\_Anniversary-G77%28E%29.pdf](http://www.g77.org/doc/docs/Declaration-25_Anniversary-G77%28E%29.pdf)

**Promotion of South-South Cooperation for Development: a Thirty-year Perspective**, Report of the Secretary-General , 27 October 2009 , Sixty-Fourth Session of General Assembly , at :

<http://southsouthconference.org/wp-content/uploads/2009/11/A-64-504-E.pdf>

#### سایت ها

<http://www.g77.org>

<http://www.g24.org>

<http://www.un.org.ir>